

نامه‌های دومبارز

اسنادی منتشر نشده از مبارزات آیت‌الله قاضی طباطبایی و صدوقی

رحیم نیکبخت

«آیت‌الله قاضی طباطبایی و آیت‌الله صدوقی توانستند دو خطه بزرگ ایران (تبریز و یزد) را همدل و همصدا به صحنه انقلاب آورند و دوستی دیرینه این دو شاگرد برجسته حضرت امام (ره) با شیرینی تمام به ثمر نشست، چنانکه سرانجام به نمایندگی از مردم شجاع تبریز و مردمان بلندهمت یزد، پیروزی انقلاب را به محضر امام خمینی (ره) تبریک گفتند. آشنایی هرچند دیکتر میان این شهیدان محراب از دوران شش‌ماهه تبعید مرحوم طباطبایی در بافت کرمان حاصل گردید. حتی اگر سفارشات مراجع تقلیدی چون آیات عظام میلانی و مرعشی نجفی هم نبود، شهید آیت‌الله صدوقی در تدارک احترام و امکانات برای شهید قاضی طباطبایی نهایت کوشش خود را می‌نمود. مکاتبات میان این دو روحانی برجسته که از همان دوران تبعید شروع شده بود تا به آخر ادامه یافت؛ اما این رابطه به‌خاطر موقعیت ممتاز علمی و سیاسی آنها، دارای ارزش اسنادی نیز هست. در مقاله زیر تعدادی از مکاتبات و اسناد منتشر نشده مربوط به این دو شهید بزرگوار توسط یکی از محققین ارجمند تاریخ انقلاب همراه با توضیحات و شروح لازم، به مجله ارسال شده که ضمن تشکر از ایشان، تقدیم می‌گردد.

■ ■ ■

پژوهشی در مورد زندگانی و مبارزات آیت‌الله شهید سیدمحمدعلی قاضی طباطبایی (ولادت ۱۲۹۴.ش. شهادت ۱۳۵۸.ش) در دست انجام بود.^۱ که در حین پژوهش به تعدادی از نامه‌های آیت‌الله شهید محمد صدوقی^۲ (ولادت ۱۲۸۶.ش. شهادت ۱۳۶۱.ش) به آیت‌الله قاضی طباطبایی و بالعکس، دسترسی حاصل شد. اسناد این نامه‌ها هم‌اکنون در کتابخانه ارزشمند و منحصر به فرد آیت‌الله قاضی طباطبایی در تبریز موجود می‌باشد و این دسترسی به لطف حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدتقی قاضی طباطبایی، فرزند شهید آیت‌الله قاضی طباطبایی، حاصل گردید که لازم است در اینجا از ایشان سپاسگذاری به‌عمل آید. نظر به محدودیتی که در

پژوهش فوق داشتیم، موفق به استفاده کامل از این نامه‌ها نشدیم. علیرغم اهمیتی که این نامه‌ها دارند و بعضی هم به‌صورت اعلامیه در شهر تبریز تکثیر و توزیع شده‌اند، متأسفانه در «مجموعه اطلاعیه‌های سومین شهید محراب حضرت آیت‌الله صدوقی»^۳ درج نشده‌اند. امید است با اسنادی که برای اولین بار در اینجا منتشر می‌شوند، گوشه‌هایی از مبارزات هماهنگ این دو شخصیت مهم نهضت امام خمینی (ره) در منظر دید پژوهشگران و محققان تاریخ انقلاب اسلامی قرار گیرد. این مکاتبات، نقش سیاسی این دو یار صدیق حضرت امام را در رهبری و هدایت مبارزات مردم مسلمان دو خطه قهرمان پرور ایران (تبریز و یزد) به نمایش می‌گذارند. امام خمینی، رهبر اصلی نهضت، سکان‌دار این حرکت عظیم اسلامی بود و در مناطق مختلف کشور نیز شاگردان قدیمی ایشان این وظیفه را برعهده داشتند؛ از جمله در شیراز آیت‌الله شهید دستغیب، در مشهد آیت‌الله شیرازی و شهید هاشمی‌نژاد، در همدان آیت‌الله شهید مدنی، در تبریز آیت‌الله قاضی طباطبایی و در یزد آیت‌الله محمد صدوقی.

در نهضت امام خمینی

ارتباط آیت‌الله قاضی طباطبایی با آیت‌الله صدوقی به ایام تحصیل ایشان در حوزه علمیه قم بازمی‌گردد.^۴ آن دو، در این ایام در محضر بزرگان حوزه از جمله در محضر امام خمینی (ره)، حاضر می‌گردیدند و در جریان نهضت اسلامی علیه تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، هر دو به مبارزه پرداختند.^۵ ارتباط نزدیکتر میان آیت‌الله طباطبایی و آیت‌الله صدوقی به سال ۱۳۴۷ بازمی‌گردد. در عید فطر این سال، آیت‌الله قاضی طباطبایی در خطبه‌های نماز، طی سخنان شدیدالحنی، ضمن حمله به دولت صهیونیستی اسرائیل، نام امام خمینی (ره) را در حضور هزاران نمازگزار مطرح کرد. واکنش حکومت به این اقدام جسورانه دستگیری و تبعید آیت‌الله قاضی طباطبایی برای مدت شش‌ماه به بافت کرمان بود.^۶ سیدرضا حسینی، راننده آیت‌الله قاضی که ایشان را به بافت انتقال داده است، می‌گوید:

«... حرکت کردیم تا رسیدیم به اصفهان. چون آقا [آیت‌الله قاضی] مریض احوال بودند، شب را همانجا استراحت کردیم و من از داروخانه‌های داروهای آقا را گرفتم. مأمورین همراهم تحت تأثیر برخورد و رفتار و گفتار آقا قرار گرفته بودند و در بین راه نظر آنها برگشته بود و با آقا با مهربانی و محبت رفتار می‌کردند. صبح از اصفهان راهی شدیم و شب رسیدیم به یزد. در دروازه شهر یزد، چند نفر جلوی ما را گرفتند و گفتند: ما را آیت‌الله صدوقی فرستادند. امشب آیت‌الله قاضی میهمان آیت‌الله صدوقی هستند. مأمورین می‌ترسیدند و زیاد علاقه نداشتند به این امر. اما به هر شکلی بود، با جلب رضایتشان راهی بیت آیت‌الله صدوقی شدیم و... صبح موقع حرکت به بافت کرمان، آیت‌الله صدوقی رو به آقای قاضی کردند و فرمودند: شما ناراحت نباشید. ما عادت کردیم به این مسائل. باید تحمل کنیم.»^۷

آیت‌الله قاضی به محض اسکان در منزل آقای شفیع، کارمند فرمانداری بافت، با ارسال نامه‌هایی به مراجع تقلید، از جمله به آیت‌الله العظمی میلانی خبر تبعید خود را اطلاع داد ولی ساواک از ارسال نامه‌ها جلوگیری کرد. آیت‌الله میلانی پس از اطلاع از تبعید آیت‌الله طباطبایی، در اولین نامه‌اش به مرحوم طباطبایی، از سفارش ایشان نزد آیت‌الله صدوقی سخن می‌راند: «... تسلاگویانم و حقیقتاً قرآن مجید و روایات مأثور و تاریخ احوال معصومین برترین موجب آرامش قلب است... از حالات مبارکه مستحضرم و به انواع دعوات یادآورم و چندی قبل نوشتم به جناب مستطاب آقای صالحی در کرمان و به جناب مستطاب صدوقی در یزد که از آن وجود مسعود عالی تفقد نمایند که تا به حدی تمکن داشته باشند. اقدامات به عمل آوردند. ولی تعجب در این است تاکنون معلوم نشده که تمکن پیدا کرده‌اند یا نه بالجمله انتظار دارم از حال مبارک و از هر آن چه منظور داشته باشید، مسبقم بدارید و تاکنون از حضرت عالی مرقوم نرسیده است. اگرچه بعضی نقل نمودند که مرقوم فرموده‌اید... [مضا سیدمحمد هادی الحسینی میلانی]»^۸

آیت‌الله العظمی میلانی در نامه دیگر خود به آیت‌الله قاضی طباطبایی، به اقدامات انجام گرفته توسط آیت‌الله

صدوقی اشاره نموده است: «تسليم و تحیت وافر به عرض می‌رسانم و یغز علی که به بافت نامه می‌نویسیم و البته آن سفر کرده یک قافله دل همراه دارد و جمعیت دلشده نگران و متاثرند. ولی بیدیهی است خود وجود شریف عالی تائری ندارید؛ چون در سبیل حق گویی از وطن دور شده‌اید. حضرت آقای صالحی از کرمان نامه مرقوم فرمودند و بعدا باز از طهران در موقع عزیمتشان به حج مرقوم فرمودند که آن قدری که توانایی داشتند اقداماتی درباره حضرت عالی نمودند و همچنین حضرت آقای صدوقی از یزد نامه مرقوم فرمودند و نوشتند و بعضی رفقای طهران که بالواسطه امکان سببیت دارند، اقداماتی نمودند. معذلک متعجبم که هنوز در آنجا تشریف دارید. تلگرافا [جهت] تشکر از تلگراف تبریک، مرحمتی گویان تبریک عرض کردم. نمی‌دانم واصل شد یا نه اینک جناب مستطاب آقای فضلی که از رفقای مخصوصین می‌باشند، به عرض خودم به حضور عالی اعزام می‌دارم...

امضا] سیدمحمد مهدی الحسینی میلانی»^{۱۲}
 علاوه بر سفار شانی که توسط حضرت آیت‌الله میلانی و حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی به علمای نزدیک به محل اقامت اجباری وی در بافت شده بود، با توجه به آشنایی آیت‌الله صدوقی و آیت‌الله قاضی، از همان روزهای آغازین تبعید، باب نامنگاری بین ایشان باز بود. ساواک کرمان در گزارشی اعلام می‌دارد نام‌های آیت‌الله قاضی طباطبایی به آیت‌الله محمد صدوقی ارسال شده است: «نظریه رهبر عملیات. قبلا آیت‌الله میلانی [به] وسیله نامه تبعید قاضی طباطبایی را به آیت‌الله صدوقی اطلاع داده بود و نیز آیت‌الله صدوقی نامه‌های جهت نامبرده ارسال [کرده] که نامه مزبور در پاسخ نامه صدوقی می‌باشد [گزارش دهنده: صوفی]»^{۱۳}

نامه‌ای که آیت‌الله صدوقی بنابر گزارش ساواک به آیت‌الله قاضی ارسال داشته در میان نامه‌های در دسترس ما وجود نداشت؛ اما خوشبختانه جواب آیت‌الله قاضی موجود می‌باشد: «یزد - حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب ملاذالانام شیخ‌الفقهاء، العظام حجت‌الاسلام والمسلمین آیت‌الله‌آقای آقامیرزا محمد صدوقی دام‌ظله‌العالی مشرف باد: ۲۲ ذی‌الحجه ۱۳۸۸ [۱۳]

بسمه تعالی

به شرف عرض مبارک عالی می‌رساند: پس از تقدیم تحیات و تسلیمات وافر، دستخط مبارک زیارت شد و از الطاف و مراحم کامله فوق‌العاده متشکر بوده و دعاگو هستم و بحمدلله تعالی به سلامتی روزگار می‌گذرانم و از مهمان‌نوازی آقایان کمال تشکر دارم و امیدوارم ان‌شاءالله تعالی هر موقع مراجعت رخ داد و میسر شد، به محضر مبارک سلام عرض و هر وقت مایل باشند که با زیارت دستخط مبارک سرفراز بفرمایید، به‌وسیله فرمانداری بافت به مخلص می‌رسد و راه مکتبه و تلگراف باز می‌باشد و بیشتر از این مزاحم لوقات مبارک نشده و عریضه را در اینجا خاتمه می‌دهد...

امضا] محمدعلی قاضی طباطبایی»^{۱۴}
 در هشتم اردیبهشت سال بعد (۱۳۴۸ ش.) آیت‌الله صدوقی نامه‌ای دیگر به بافت ارسال داشت. از آنجا که این نامه‌ها نه از طریق پست - که تحت کنترل ساواک بود - بلکه به‌وسیله افراد مطمئن ارسال می‌شد، در گزارش‌های اسالی ساواک کرمان به اداره کل سوم انعکاس نیافته‌اند. نامه آیت‌الله

صدوقی چنین است: «به عرض محترم بندگان عالی می‌رساند: بعد از اهداء تحیت و تقدیم ادعیه صالحه ادامه صحت و استقامت مزاج مبارک را از پیشگاه مقدس حضرت احدیت عز سلطانه مسئلت می‌نمایم و این که همیشه مورد عنایات و توجهات خاصه حضرت ولی‌الله‌العظم حجت‌بن‌الحسن العسکری - ارواحنا فداه - بوده و از مکره برکنار باشید. غرض عرض ارادت و تقدیم سلام بود و چنانچه قابل باشد [که] اوامری باشد، ارجاع فرمایند التماس دعا دارم... ایم افاضات مستدام باد.

حرر الاحقر محمد الصدوقی. صفرالخير ۱۳۸۹ هـ»^{۱۵}
 شش‌ماه اقامت اجباری آیت‌الله قاضی طباطبایی به جرم حق‌گویی و حمایت از ملت مظلوم فلسطین و نهضت امام خمینی (ره) پایان یافت، ولی ساواک با بازگشت او به تبریز موافق نبود. اداره کل سوم ساواک، به ساواک تبریز ابلاغ کرد یکی از فرزندان آیت‌الله قاضی برای انتقال ایشان به محل جدید تبعید (زنجان)، راهی بافت کرمان گردد.^{۱۶} در مسیر انتقال آیت‌الله قاضی طباطبایی به تبعیدگاه جدید، فرصتی فراهم آمد تا بین ایشان و آیت‌الله صدوقی در یزد دیداری دیگر صورت پذیرد. حاج‌قلی گلشن، از نزدیکان آیت‌الله قاضی، به‌همراه فرزند ایشان، محمدرضا قاضی طباطبایی، راهی بافت شدند. آقای گلشن در خاطرات خود از این دیدار می‌گوید: «... از بافت حرکت کردیم، در کرمان به منزل خواهر خاتم شفیعی»^{۱۷} همسر میزبان آیت‌الله قاضی در بافت، وارد شدیم و بعد از کرمان، حرکت کردیم به سمت قم. قبل از قم در اصفهان و یزد توقف داشتیم، در شهر یزد مهمان آقای صدوقی شدیم. صبح زود به منزل ایشان رسیدیم. صبحانه را در منزل آیت‌الله صدوقی صرف کردیم. مرحوم صدوقی خیلی خدمت و احترام کرد.»^{۱۸}

ارتباط این دو آیت عظام، در سالهای بعد نیز همچنان ادامه یافت. آیت‌الله قاضی در سال ۱۳۵۰ نامه‌ای را به‌همراه تعدادی از کتابهای تالیفی خود که چاپ شده بودند، به‌وسیله یکی از نزدیکان خود، آقای سیدهاشم سیداصفهانی، به نزد آیت‌الله صدوقی ارسال داشت. آیت‌الله صدوقی در جواب، نامه زیر را نوشتند: «به عرض مقدس عالی می‌رساند: بعد از اهداء تحیت و تقدیم ادعیه صالحه، صحت و استقامت مزاج مبارک را از پیشگاه حضرت احدیت عز سلطانه مسئلت می‌نمایم و امید است که کماکان مشمول عنایات خاصه حضرت ولی‌عصر ارواحنا فداه بوده‌از هر گزندی برکنار باشید. مرقوم کریمه [به] وسیله سیدبزرگوار جناب آقای حاج میرهاشم سیداصفهانی دام‌ناییده زیارت شد. کتابهای مرحمتی، موجب مزید تشکر گردید. از الطاف کریمه و مراحم عمیمه زایدالوصف ممنون و انتظار دارم که سالهای متمادی برادران ایمانی از مهر انارت اثر بهره‌مند و ظل ظلیل پرورش کافه مسلمین مستدام و پاینده باشند. بی‌نهایت اشعاف درک محضر شریف را دارم و سعادت نوید دیدار و استفاضه از آن مقام شامخ روحانی را از خدای بزرگ خواهیم از جناب آقای نظام‌المحدثین پرسشی فرموده بودید. متأسفانه ایامی که به زیارت بیت‌الله الحرام مشرف بودم، ایشان وارد منزل شده و پس از صرف نهار، استراحت و در خواب به عالم باقی شتافته و برای همیشه چشم از این جهان پوشیده به رحمت ایزدی داخل می‌شود. خدایش رحمت و با موالیان گرامیش محشور فرماید. در خاتمه مراتب ارادت را

تجدید و خدمت کلیه آقایان و مخصوصا آقازادگان کرام عرض سلام، مصدع، ملتس دعای مخصوص هستم. در انجام فرمایشات مفتخرم والسلام علیکم ورحمت‌الله و برکاته ایم افاضات مستدام باد.

امضا] حررالاحقر محمدالصدوقی. ۵ صفرالخير ۱۳۹۱ هـ»^{۱۹}

چهل‌م شهدای تبریز در یزد

در آبان سال ۱۳۵۶، خبر رحلت غریبانه فرزند ارشد امام (ره) - حاج آقا مصطفی خمینی (ره) - ایران را در سوگ و ماتم فرو برد. علیرغم میل حکومت، مراسم ترحیم حاج آقا مصطفی به مجالس تجلیل و بزرگداشت رهبر دور از وطن نهضت تبدیل شد و علنا نام امام خمینی بر سر زبانها افتاد. رژیم در موضع انفعالی، بزرگترین اشتباه خود را با انتشار مقاله توهین آمیز در روزنامه اطلاعات (۱۳۵۶/۱۰/۱۷) مرتکب شد. قیام نوزدهم دی قم، در اعتراض به این اهانت شکل گرفت.^{۲۰} چهل شهدای قیام قم توسط آیت‌الله قاضی طباطبایی در تبریز، به قیامی سرنوشت‌ساز تبدیل شد که نهضت را در مرحله جدید شتاب بیشتری داده و به سراسر ایران گسترش داد.^{۲۱} دهم فروردین سال ۱۳۵۷ نیز چهل شهدای قیام مردم تبریز علیه نظام شاهنشاهی بود. آیت‌الله صدوقی طی اعلامیه‌ای، برگزاری مراسم چهل شهدای تبریز را این چنین با اطلاع اهالی غیور یزد رساند: «... برادران ایمانی! چهل روز از شهادت مجاهدان تبریز می‌گذرد. چهل روز از شهادت مسلمانان غیور تبریز که به حمایت از قرآن و روحانیت و تکریم از مقام عالی شهیدان قم برخاسته بودند، گذشت. اهالی محترم تبریز دین خود را به اسلام شرافتمندانه ادا نمودند. نه تنها تبریز باید در راه اسلام و قرآن قیام نماید، این وظیفه مقدس را عموم برادران شیعه دارند. این جلوه تشیع همه‌جا و همگانی است. به پیروی از اعلامیه‌های صادره از ناحیه مقدسه آیات عظام و مراجع بزرگ عالیقدر شیعه بالاخص زعیم بزرگوار نائب‌الامام حضرت آیت‌الله‌العظمی الخمینی - متع‌الله تعالی المسلمین بطول بقائهم الشریف - که عزای عمومی اعلام نمودند، بدین وسیله پیام شهدای قم و تبریز و سایر شهرستانها را که در این هدف مقدس فداکاری نمودند، این چنین به شما می‌رسانیم: برادران ایمانی! شما که سعادت نائل شدن به درجه شهادت را نداشتید، اقلا به قرانت فاتحه و آیاتی از کلام‌الله مجید، ما را یاد کنید و به سوگ و ماتم بنشینید. لذا روز پنجشنبه بیستم ربیع‌الثانی مطلق با دهم فروردین ۱۳۵۷ از ساعت نه‌الی یازده به وقت قدیم در مسجد روضه محمدیه (حظیره) برای تجلیل از ارواح عالیه شهیدان قم، تبریز و لبنان، مجلس بزرگداشت خاطره جانبازی مردان راه حق برپاست و شرکت عموم طبقات را انتظار داریم.»^{۲۲}

چهل شهدای تبریز در شهرهای متعددی برگزار شد، اما در یزد بود که ویژگی خاص یافت. کاترین دیویت، مفسر رادیو بی‌بی‌سی، در تفسیر حوادث دهم فروردین چنین گفته بود: «با این حال اینطور به نظر می‌رسد که خشونت‌های خیابانی در شهر یزد شدیدتر از شهرستانهای دیگر بوده است. گزارش پلیس از تظاهرات یزد، حاکی است که پس از آنکه نیروهای امنیتی نتوانستند با استفاده از گاز اشک‌آور تظاهرکنندگان را متفرق سازند، به روی آنها آتش گشودند و همچنین گویا که تظاهرات شهر یزد گسترش بیشتری نسبت به سایر شهرهای دیگر داشته است.»^{۲۳}

علاوه بر سفارشاتى که توسط آیات عظام میلانى و مرعى نجفى به علمای نزدیک به محل اقامت اجبارى آیت الله قاضى طباطبایى در بافت شده بود، با توجه به آشنایى وی با آیت الله صدوقى، از همان روزهاى آغاز تبعید، باب نامه نگارى بین این دو باز بود



آیت الله صدوقی



قاضى طباطبایى

با اعلامیه‌ای که شهید آیت‌الله صدوقی صادر کرده بود، حرکتی چنین گسترده دور از تصور نبود. پس از قیام مردم یزد در چهلم شهدای تبریز، ساواک یزد طی گزارشی به معرفی رهبران این قیام پرداخت که مرور گوشه‌هایی از آن خالی از لطف نیست؛ زیرا مقامات ساواک به تشابه و موقعیت همسان این دو مبارز انقلابی - یعنی آیت صدوقی و قاضی طباطبایى - اعتراف نموده‌اند: «... در یزد دو نفر به اسامی شیخ محمد صدوقی و کاظم راشدپور محرک حوادث بعد از ظهر روز ۱۳۵۷/۱۹ [۱۳] و پیش از ظهر روز ۱۳۵۷/۱۸ [۱۳] بوده‌اند که در مورد کاظم راشدپور دستور داده شد با تشکیل کمیسیون امنیت اجتماعی به یکی از مناطق سنی نشین کشور تبعید شود. شیخ محمد صدوقی از علمای سرشناس کشور بوده و در یزد و قم و کاشان و اصفهان دارای طرفداران است و موقعیتی نظیر قاضی طباطبایى در تبریز را دارد. چنانچه تبعید شود، امکان دارد طرفداران او دست به تحریکاتی بزنند...»^{۲۳}

در اوج انقلاب

با اوجگیری نهضت، بر ارتباطات میان آیت‌الله قاضی و آیت‌الله صدوقی هر چه بیشتر افزوده شد. در تاریخ ۱۳۵۷/۷۱ منزل امام خمینی در نجف اشرف به محاصره نیروهای امنیتی رژیم عراق درآمد. ایجاد محدودیت برای فعالیتهای سیاسی امام انقلابیون ایران را به تکاپو واداشت. در یکی از گزارشات ساواک درباره آیت‌الله قاضی آمده است: «موضوع: محمدعلی قاضی طباطبایى. ۱- نامبرده بالا ضمن مذاکره با فرد ناشناس که لهجه یزدی داشت، اظهار نمود قرار است از طرف روحانیون و طرفداران [امام] خمینی تلگرافات اعتراض آمیزی مبنی بر محاصره منزل [امام] خمینی در نجف توسط شهربانی به کشور عراق مخابره شود. در این تلگراف قید خواهد شد چنانچه کوچک‌ترین صدمه‌ای به [امام] خمینی وارد شود، جامعه تشیع بیکار نمی‌نشیند و خونهای زیادی ریخته می‌شود. ضمناً قرار است روز جاری تظاهراتی از طرف دانشجویان در اروپا جلو سفارتخانه‌های

عراق برپا شود...»^{۲۴}

در گزارش دیگری که در پرونده آیت‌الله قاضی بایگانی شده است، چنین می‌خوانیم: «آقای قاضی در تماسی با دفتر آیت‌الله صدوقی در یزد گفت: در تظاهرات روز ۱۳۵۷/۸/۳ تبریز یک نفر کشته و تعداد زیادی بانک و انومیل ارتشی به آتش کشیده شده است.»^{۲۴} با گسترش جنایات رژیم در سراسر کشور و شهادت تعدادی از مردم تبریز، آیت‌الله صدوقی تلگرافی در تسلیت به آیت‌الله قاضی ارسال کرد: «یزد - تبریز: از لحاظ محترم حضرت مستطاب سیدالعلماء العالمین حجت‌الاسلام والمسلمین آیت‌الله‌الاقای قاضی دامت برکاته بگذرد، جنایات بی‌دری و یورش وحشیانه و کشتارهای بی‌رحمانه‌ای که توسط عمال کثیف هیات حاکمه صورت گرفته است، قابل احواء و توصیف نیست. کلیه شهرهای ایران در سوگ و ماتم عزیزان زردست‌رفته خود نشسته و روزبه‌روز خشم انقلابی و نفرت و انزجار مردم افزوده می‌گردد. کشتارهایی که اخیراً در آن دیار به دست مزدوران دزخیم نظام حاکم به وقوع پیوسته است، موج تازه‌ای از تاسف و تأثر در بین همه مسلمین، خاصه برادران دینی شما در یزد، به‌وجود آورده است. این حملات سبعانه که نظام حاکم علیه ملت انجام می‌دهد، نشانه سقوط کامل رژیم پושالی ظلم و استبداد است و این‌گونه اقدامات و تشبیهات نشان‌دهنده روحیه ضدملی و انتقام‌جویانه رژیم است. رژیمی که هیچ جای پای در بین ملت نداشته و ایام ناپودی او نزدیک است و به خواست خداوند، با تراکم هر چه بیشتر صفوف ملت و همبستگی کامل همه اقشار و گروههای مختلف، صبح پیروزی ملت دمیده است. اینجانب ضمن عرض تسلیت به پیشگاه حضرت ولی‌الله‌الاعظم - ارواحنا فداه - و ثنایا به محضر مبارک جنابعالی و همه حضرات آیت عظام و بزمندگان شهدای فاجعه اخیر آن شهر، مراتب تاسف و تأثر مردم مسلمان یزد را اعلام نموده و از خداوند مسئلت می‌دارم که با تاییدات خدا و عنایت خاصه حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - و همت والای ملت مسلمان، بقا و ریشه‌های استبداد و

استعمار در ایران قطع گشته و پرچم پرافتخار عداله اسلامی بر این مرزوبوم به اهتزاز درآید که «ان للحق دوله و الباطل جوله». والسلام علیکم و علی جمیع اخوان المسلمین فی ۶ صفر الخیر ۱۳۹۹. محمد الصدوقی»^{۲۵}

آخرین تیر ترکش نظام روبه‌اضمحلال پهلوی، نخست‌وزیری بختیار بود. محمدرضا پهلوی امیدوار بود با نخست‌وزیری بختیار، از امواج خروشان انقلاب مردم ایران کاسته شود. خواست همه مردم بازگشت رهبران به ایران و تشکیل حکومت اسلامی به زعامت او بود. امام خمینی نیز تصمیم گرفته بود به ایران بازگردد. اما بختیار با بهانه‌تراشی از ورود امام جلوگیری می‌کرد تا شاید فرصتی برای تسلط بر اوضاع بیاید. در اعتراض به بسته‌شدن فرودگاهها، روحانیون مبارز و نیز شخصیت‌های سیاسی و مذهبی در مسجد دانشگاه اقدام به تحصن نمودند.^{۲۶} در این مقطع آذربایجان در شرایط بحرانی به سر می‌برد. تلاشهای مستمر برای انحراف نهضت به بهانه حمایت از مرجعیت مرجع خاص، طرح مسائل نقره‌انگیزانه و اقدامات خودسرانه وضعیت بغرنجی را فراهم آورده بود. عزیمت آیت‌الله قاضی طباطبایى به تهران و شرکت در تحصن در این وضعیت به‌هیچ‌وجه صلاح نبود. به‌همین دلیل او از شرکت در تحصن در مسجد دانشگاه تهران خودداری کرده^{۲۷} و در دهم بهمن ۱۳۵۷ طی تلگرافی به علمای متحنن، از اقدام شجاعانه آنها اعلام حمایت کرد: «بسم‌الله الرحمن الرحیم. محضر حضرت آیت و حجج‌الاسلام آقای صدوقی، آقای طالقانی و سایر حضرات سلام و تحیت وافر تقدیم می‌دارد. در این لحظات که جنایتکاران استبداد و استعمار، با کشتار و ضرب و جرح جوانان مسلمان و اعمال ضدانسانی، محیط سراسر وحشت و ترور در سطح مملکت فراهم نموده‌اند، مسجد و دانشگاه و بازار و خیابان و حرم^{۲۸} پیشوای مردم را مورد اهانت و هتک حرمت قرار داده‌اند و ابتدای‌ترین حق انسانی را که اشتیاق دیدار مرجع عالیقدر امت [است]، از مردم سلب نموده‌اند و لحظه‌به‌لحظه با کمال وقاحت اصرار می‌ورزند که هر آنچه از

ملت و متعلق به ملت است، مورد اهانت قرار دهند. شجاعت و عزم راسخ حضرات آیات موجبات دلگرمی کلیه افراد مسلمین را فراهم می آورد. ایدمک الله امید است به همین انقاس قدسیه و ثبات قدم شایسته حضرات آیات، مشکلات اسلام و مسلمین هر چه زودتر حل و چشم ملت مسلمان به دیدار رهبر عظیم الشان، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، روشن گردد. لازم می داند مراتب همبستگی خود و جامعه روحانیت و عموم مردم آذربایجان را حضور حضرات آیات اعلام و موفقیت و تائیدات حضرات را در سایه توجهات حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - خواستار باشد. ۱ ربیع الاول ۹۹.

[امضا] سید محمدعلی قاضی طباطبایی.

تکثیر از ندای حق^{۲۹}

امام خمینی سرانجام پس از سالها دوری از وطن، در روز دوازدهم بهمن به ایران بازگشت و به رهبری ایشان، انقلاب اسلامی مردم مسلمان در بیست و دوم بهمن به پیروزی رسید. آیت الله محمد صدوقی در اولین سالگرد قیام تاریخی مردم تبریز در بیست و نهم بهمن، با ارسال تلگرافی به محضر امام خمینی و آیت الله قاضی طباطبایی، سالروز این قیام و پیروزی انقلاب را تبریک گفت: «یزد - تبریز - شماره ۱۸۸۱ ک ۳۴۹ ت ۱۳۵۷/۱۱/۳۰. بسم الله الرحمن الرحیم. ساحت مقدس زعیم عالیقدر جهان عالم تشیع حضرت آیت الله العظمی امام خمینی دام ظلّه الوارف تهران، رونوشت تبریز محضر مبارک حضرت آیت الله حاج سید محمدعلی قاضی طباطبایی دام ظلّه یک سال از فاجعه خونین تبریز می گذرد. فاجعه ای که طی آن صدها فرزندان دلیر و رزمنده اسلام و قرآن در راه ازبین بردن و اعلام نظام طاغوتی جان خود را از دست دادند و هر قطره خونی که از قلب پاک آنها فروریخت. در یابی از خون در شریانهای انقلاب اسلامی ایران جاری ساخت. جانبازی و فداکاری دلاوران غیور تبریز در طلیعه نهضت خونین ایران، به جنبش توان و نیرویی تازه بخشید، به طوری که بحق می توان گفت: تبریز به همه ایران درس شهامت و فداکاری آموخت. حضور روحانیت مبارز و مترقی آن شهر، در جریان درگیری های حق و باطل، جبهه رزمنده آذربایجان را کمالی زایدالوصف بخشید و همه دیدند که رسالت تاریخی روحانیت با حسن وجهی در تبریز در راه مبارزه علیه رژیم طاغوت صورت تحقق یافت. روزهای گذشته بار دیگر تبریز از سوی بزمندگان و بقایای متهدم شده رژیم منفور پهلوی، لطمات و صدمات زیادی به خود دید که خوشبختانه مسلمانان این شهر غرورآفرین آخرین نفسهای عمال استبداد را در سینه خفه نمودند و برای همیشه اجساد نحس آنها را در گورستان جنایت به خاک سپردند و بدین وسیله می توان گفت رزمندگان سلحشور تبریز و خطه آذربایجان، به شروع و پایان مبارزه خلق مستضعف ایران علیه استعمار، با حماسه عشق و خون جلوه ای خاص بخشیدند. اینجانب از سوی خود و مردم مسلمان یزد، مراتب تسلیت را به مناسبت سالروز شهدای تبریز به شخص جنابعالی و بازماندگان شهدا و همه مردم دلیر و مسلمان تبریز تقدیم داشته و به شعاری که هم اکنون ملت مسلمان ایران در طلوع فجر آزادی زمزمه می کند، تمثل جست و می گویم: "در طلوع آزادی جای شهدا خالی" از خداوند متعال موفقیت آن جناب و همه برادران ایمانی تبریز

را در راه پیشبرد اهداف مقدس انقلاب و حفظ دستاوردهای آن مسئلت داشته و امیدوارم هر چه زودتر ویرانه ها و خرابیهایی حاصله از رژیم سفک پهلوی به همت والای مردان مسلمان خطه جبران گشته و وجود مبارک آن حضرت در تمام شئون حیاتی مورد اغنتام عامه مردم قرار گیرد.

یزد - محمد الصدوقی^{۳۰}

آیت الله قاضی طباطبایی پس از وصول تلگراف فوق در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۱۴ جواب زیر را به آیت الله صدوقی ارسال داشت. در این جواب، آنچه قابل توجه است، بیان نقش رهبری حضرت امام در پیروزی انقلاب اسلامی و مراتب ارادت وی به رهبر انقلاب است: «جواب. تبریز - یزد. حضرت علامه شهیر آیت الله آقای حاج شیخ محمدالصدوقی دامه ظلّه تلگراف تبریک واصل و از [اینکه] ابراز خوشنودی و قدردانی از جانبازی های اهالی محترم تبریز فرموده اید و بذل مراسم نموده اید، کمال تشکر حاصل است که حقایق را به قلم آورده اید که به مراتب برنده تر از شمشیر تیز است و خوشوقتی فرموده اید که در نهضت اسلامی به رهبری زعیم عالیقدر عالم اسلام و مرجع تقلید شیعه سیدنا الامام خمینی - دام ظلّه الوارف - به هدف نایل و موفقیت واصل گردید. البته باید عموم عالم اسلام و خصوص جامعه تشیع مشعوف گردد و به ویژه آنان که از شاگردان مکتب امامند، بیشتر باید شکرگذاری به درگاه خداوندی به جای آورند که استاد اعظم ما که او را مجدد مذهب امامیه در راس مئّه^{۳۱} پانزدهم هجری باید دانست، چنانچه اهل سنت نقل کرده اند، خاندانی را که دشمن دین مبین اسلام بود، با همت والای او از توجهات خاصه حضرت ناموس دهر ولی عصر بقیه اله - ارواحنا فداه - از عرشه آلوده به خون جوانان عزیز ما و از تخت سرنگون شده طاغوتی اش به خاک مذلت فرو آمد و با قدوم مبارک خود بلده طیبه قم و حوزه مقدسه علمیه را مزین فرمود و شاگردان تربیت یافته مکتب علمی اش به آرزوی دیرینه خود نایل آمدند و یاد ایامی را که در محضر انورش بودند، نمودند. الحمد لله تعالی زمام امور دینی و سیاسی را به دست با کفایت خود گرفتند و چشم دشمنان دین کور شد و امیدوارم که به تدریج دولت جمهوری اسلامی پیاده شود و مردم از پیادشدن قوانین قرآنی به تمام معنی آگاه شوند، به شرط اینکه بدآموزان رژیم سلیق فاسد طاغوتی از عداوت و رسوم محملات خود دست بردارند و خودشان را آلت دست اشخاص ضدانقلاب قرار ندهند و دین خود را به دنیا ن فروشند و دولت انقلاب اسلامی موقت لغو احکام خلاف اسلام و مذهب جعفری کرارا صادر نمایند و به تملی موارد و محلهای لازم الابلاغ از ادارات و دادگستری ها و دفاتر اسناد رسمی و غیره ابلاغ نمایند.

سید محمدعلی قاضی طباطبایی^{۳۲}

به سخن در مورد این دو شهید والامقام خاتمه داده و از خداوند برای روح این دو یار صدیق حضرت امام (ره) علو درجات می خواهیم. ویژگی قابل دقت و تأمل این ارتباط هماهنگ، تعلق مذهبی و دینی مردمان این دو خطه قهرمان پرور ایران در نهضت اسلامی است که نماینده آذربایجانی ها آیت الله قاضی طباطبایی و نماینده یزدی های خون گرم آیت الله محمد صدوقی هستند. ■

پی نوشت ها

۱. رحیم نیکبخت و صمد اسمعیل زاده زندگی و مبارزات شهید آیت الله

۱. قاضی طباطبایی تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰
۲. برای اطلاع بیشتر از مبارزات شهید آیت الله صدوقی رکه شهلا بختیاری، شهید صدوقی عملکرد، مبارزات، دیدگاهها، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸؛ یاران امام به روایت اسناد سلواک، شهید آیت الله حاج شیخ محمد صدوقی، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات و حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷
۳. مجموعه اطلاعیه های سومین شهید محراب حضرت آیت الله صدوقی، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲
۴. به نقل از حجت الاسلام والمسلمین سید محمد تقی قاضی طباطبایی، ۵. برای اطلاع بیشتر رکه اسناد انقلاب اسلامی، ج ۲، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵
۶. یاران امام به روایت اسناد سلواک، شهید آیت الله سید محمد علی قاضی طباطبایی (جلوه محراب)، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۳۹
۷. تنهایی و پایداری، به کوشش حسین نجفی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی و ستاد یادواره شهدای منطقه حکم آباد تبریز، ۱۳۷۹، صص ۱۳۳، ۱۳۲
۸. سند شماره ۱، نامه آیت الله العظمی میلانی به آیت الله قاضی طباطبایی، سند شماره ۲، نامه آیت الله العظمی میلانی به آیت الله قاضی
۹. آرشو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده آیت الله قاضی طباطبایی، کد ۷۵۵۷۷، شماره گزارش ۱۳۴۲/۱۲/۲۸۸/۱۳۴۷
۱۱. به تاریخ ۲۰ اسفند ۱۳۴۷
۱۲. اصل نامه در کتابخانه آیت الله شهید قاضی طباطبایی موجود است.
۱۳. سند شماره ۲
۱۴. جلوه محراب، همان، صص ۳۳۸-۳۳۶
۱۵. همسر آقای شفعی قبل از ورود آیت الله قاضی به مدت شش ماه بیمار بود، شب قبل از ورود تبعیدی تبریز به بافت، خواب شگفتی دید که این خواب با ورود آیت الله قاضی به منزل ایشان تعبیر شد. میزبان مهربان از هیچ گونه محبتی به آیت الله قاضی دریغ ننمودند و پس از بازگشت آقای قاضی، چند مرتبه برای دیدار ایشان به تبریز آمدند.
۱۶. مصاحبه با حاج قلی گلشن، مصاحبه گر، رحیم نیکبخت، جلسه اول، تبریز، مسجد مقبره ۱۳۷۸/۸/۱۱
۱۷. سند شماره ۴، مطابق با ۱۲ فروردین ۱۳۵۰
۱۸. برای اطلاع بیشتر رکه حماسه ۱۹ دی قم، به کوشش علی شیرخانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷
۱۹. برای اطلاع بیشتر رکه، رحیم نیکبخت، «قیام شورانگیز ۲۹ بهمن تبریز»، مجله ۱۵ خرداد، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۷۶
۲۰. تاریخ انتشار اعلامیه هشتم فروردین سال ۱۳۵۷ می باشد، مجموعه اطلاعیه های سومین شهید محراب... همان، صص ۳۴، ۳۵
۲۱. رحیم نیکبخت و صمد اسمعیل زاده زندگی و مبارزات شهید آیت الله قاضی طباطبایی، همان، ص ۲۰۰
۲۲. یاران امام به روایت اسناد سلواک، شهید آیت الله حاج شیخ محمد صدوقی، همان، ص ۱۱۷
۲۳. جلوه محراب، همان، ص ۴۸۳
۲۴. آرشو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده آیت الله قاضی، کد ۷۵۵/۱۶، شماره گزارش ۱۳۹۱/۱۲/۱۵۱/۱۳۵۷
۲۵. مطابق با ۱۵/۱۱/۱۳۵۷، متن اصلی تلگراف در آرشو کتابخانه آیت الله قاضی طباطبایی در تبریز موجود است.
۲۶. کوثر، ج ۲، مجموعه سخنرانی های امام خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چپ چهارم، ۱۳۷۸، صص ۶۳۱، ۶۳۲
۲۷. که برخی کوتینینه عمده شرکت او را حمل بر ترس نمودند.
۲۸. منظور حرم مطهر امام رضا علیه السلام است
۲۹. سند شماره ۵
۳۰. سند شماره ۶
۳۱. آغاز قرن پانزدهم هجری
۳۲. سند شماره ۷، متن این تلگراف به خط آیت الله قاضی طباطبایی است. این دو تلگراف در تبریز به صورت اعلامیه چاپ و تکثیر شدند. لازم به توضیح می داند. غیر از موارد معرفی شده در متن فوق، دو نامه دیگر از آیت الله شهید محمد صدوقی به آیت الله قاضی طباطبایی وجود دارد که جنبه شخصی دارند و به موضوع این متن مربوط نمی شوند.